

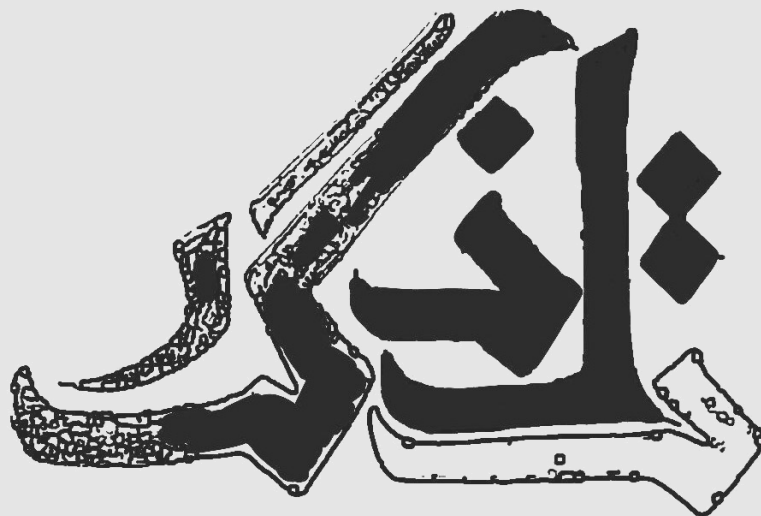


ولی فقیه ومی  
رسول اکرم (ص)  
و در زمان غیبت  
امام مسلمین  
است

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ، پردیس حضرت زینب کبری (س) اراک



اطاعت از دستورات  
حکومتی ولی امر  
مسلمین بر هر  
مکلفی ولو این که  
فقیه باشد. واجب  
است



شماره ی ۴ اردی بهشت و فرورد ماه ۱۳۹۲





**صاحب امتیاز:** بسیج دانشجویی پردیس حضرت زینب کبری (س) اراک

**مدیر مسئول:** معصومه محمدیان **سردبیر:** حانیه جمال

**همراهان مادر این شماره:** فرزانه سمین ، الهام عابدی ، کیما یگانه

اکبری ، مژگان احدی ، ریحانه نوروزی

**طراح قالب:** محدثه صبور **طراح لوگو:** زیبا کاظمی

**طراح جلد:** نفیسه پای وندی



بسیج دانشجویی  
دانشگاه فرهنگیان  
پردیس حضرت  
زینب کبری اراک



جمعه های انتظار ..... ۷

سینما معلم ..... ۶

اهالی ولایت ..... ۴

دانشجو معلم ..... ۲

دیدار آشنا ..... ۱

آنچه در این شماره می خوانیم







امروز هم کسانی درصدد این هستند که یک **شکل معیوب** از **برجام** را بر کشور تحمیل کنند؛ دولتهای خارجی دنبال این هستند و یک عده‌ای در داخل **تبلیغ** میکنند که اگر این نشود، **جنگ** خواهد شد؛ نه آقا، این دروغ است، این تبلیغ به نفع دشمن است. هدف دشمن معلوم است؛ دشمن درصدد آن است که ما از نقاط قوت خودمان صرف نظر کنیم، از عناصر **اقتدار ملی** خودمان دست برداریم تا راحت‌تر بتواند بر کشور ما، بر ملت ما، بر سرنوشت ما و آینده‌ی ما **مسلط** بشود؛ یک چنین فکری را آنها کرده‌اند و ملت در مقابل این حرکت ایستاده است؛ این **فشار روانی**.

اما **فشار عملی** که [درباره‌ی] این هم فقط یک جمله به همه‌ی ملت عزیزمان عرض میکنم در سرتاسر کشور؛ فشار عملی‌شان عبارت است از اینکه در کشور **آشوب** ایجاد کنند؛ این برنامه‌ی قطعی آنها است که البته سر آنها به سنگ خواهد خورد؛ همچنان که تا حالا خورده است. نقشه‌ی دشمن این است که از **مطالبات مردمی** سوءاستفاده کنند. ممکن است در یک شهری، در یک نقطه‌ای از کشور یک عده‌ای مطالبه‌ای داشته باشند، جمع بشوند، دنبال مطالباتند؛ مثلاً کارگرانی هستند، دنبال **مطالبات کارگری‌اند**؛ یا مردمی در یک شهری، دنبال مطالبات شهری خودشان هستند. دشمن در یک چنین مواردی نقشه میکشد، **عوامل نفوذی** خود را، در واقع اشار و انسانهای خیبی را به تعداد معدودی در این اجتماعات وارد میکنند تا اجتماعات آرام مردم را تبدیل کنند به حرکت **ضد امنیتی** و حرکت آشوبگرانه تا به این وسیله کشور را و ملت را و نظام جمهوری اسلامی را بدنام

کنند؛ این را مردم در سراسر کشور توجّه داشته باشند؛ این نقشه‌ی دشمن است، **ما خبر داریم**؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند برای این کار؛ البته به گمان من بلکه به **اعتقاد راسخ من**، اینها کور خوانده‌اند و مردم عزیز ما در مقابل آنچه آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند، با قدرت، با شهامت، با هوشیاری خواهند ایستاد. و من توصیه میکنم مردم عزیز ما همچنان که تا امروز **هشیاری** خودشان را حفظ کرده‌اند، باز هم حفظ کنند. **سمی** از برجام آوردیم؛ یک جمله‌ی کوتاه راجع به برجام بگویم. از برخی حرفهای بعضی از **دولتهای اروپایی** این جور برمی آید که اینها توقع دارند ملت ایران، هم تحریمها را **تحمل** کند و با تحریمها دست و پنجه نرم کند، و هم از فعالیت هسته‌ای خود که نیاز قطعی آینده‌ی کشور است بکشد و این **محدودیت‌هایی** را که بر او تحمیل کرده‌اند ادامه بدهد. من به این دولتها میگویم بدانند که این خواب آشفته، **تعبیر نخواهد شد**؛ ملت ایران و دولت ایران، این را تحمل نخواهند کرد که هم تحریم باشند، هم در محدودیت هسته‌ای و حبس هسته‌ای قرار داشته باشند؛ این نخواهد شد. **سازمان انرژی هسته‌ای** موظف است سریعاً مقدمات و آمادگی‌های لازم را برای رسیدن به **۱۹۰ هزار سو** - فعلاً در چهارچوب برجام - فراهم بکند و برخی مقدمات دیگر را که رئیس‌جمهور محترم دستور آن را دادند، از همین فردا آغاز کند.







## ریحانه نوروزی

علوم تربیتی ۹۵

بنام خدا

من دوست دارم در آینده معلم بشوم. اما نمیدانم چرا دوست دارم. وقتی از مادرم پرسیدم او گفت معلم ها روزهای تعطیل تعطیلند و این خیلی خوب است. وقتی از پدرم پرسیدم او گفت معلم ها روزهای بیکاریشان حقوق هم میگیرند. برادر بزرگم میگوید معلم ها هوای بچه های معلم های دیگر را دارند و ب آنها توجه میکنند. او راست میگوید خانم معلم ما آن روز پرسید کی مامان یا باباش معلم است. برادرم میگوید بچه معلم ها خیلی اتوکشیده اند. من معنای اتوکشیده را نمیدانم ولی حتما چیز خوبی است. پدرم میگوید معلم ها امکانات دارند؛ به آنها خانه، ماشین، استخر، فروشگاه، و خیلی چیزها میدهند.

این هایی که مادر و پدر و برادرم میگویند جواب خوبی است برا سوال خانم معلم ولی من معلم شدن را قبل از این ها دوست داشتم. من دوست دارم معلم بشوم چون بالاترین انسان ها معلم بودند مثل پیامبران و امامان

من دوست دارم معلم بشوم تا عشق و محبت و مهربانی را در دانش آموزان پرورش دهم.

من دوست دارم معلم بشوم تا مادر هزاران کودک شوم

من دوست دارم معلم شوم تا راه خدا را ببیمایم

به امید روزی که من معلم شوم



## کیمیا یگانه اکبری

علوم تربیتی ۹۵

به بلندای افتاب ، به پاکي چشمه ها ، به استواری کوه ها

، به ابي گرفته ی سپهر و به عشق زیبای اموختن ...

معلم روزت مبارک

امروز روز توست ؛ روز تو ای مرد بزرگ اموختن، روز تو ای بانوی بزرگ پروراندن

در این پیام کوتاه تبریک امید بر این دارم بتوانم روزت را گرمای بدارم

تو به همان عشق و شور بچه ها به همان لرزیدن دل های کوچکشان به همان استرس پر کردن تخم مرغ ها با کاغذ رنگی به همان اندک پول جمع کردن ها به همان جشن گرفتن ها و عکس گرفتن ها به همان پای تابلو نوشتن ها به همان پاکي به همان ذوق به همان هایی که فقط منو تو جنسشان را میفهمیم همان هایی که اشک را در چشمان منو تو میجویشاند به همان ها دلت را راضی نگه دار عشقت را محکم قدم هایت را استوار و ذهنت را پر و دستت بگیرا تا بتوانی میهن را بسازی

دوست من ارزش کار تو را شاید همان بچه های کوچکت بفهمند قدر زحمات تو را شاید همان دل های کوچک درک کنند بهای تلاش هایت فهمیدنی نیست ... ارزش کارت خریدنی نیست

از ریال و ارز و سکه خارج است که دادنی نیست

تو به همان گل ها و برف شادی ها و معلم روزت مبارک گفتن ها راضی باش همان هایی که چندین و چند سال ۱۲ اردیبهشت را فراموش نکردند و نسل مطهری را پاس میدارند

به قول ها و ریال ها دل مده به خاطر و یاد خودت دل بسپار که هنوز معلم کودکی ات را میشناسی هنوز هم آن معلمی که تو را عاشق ریاضیات و علوم کرد را به یاد داری

انقدر شیرین انقدر بزرگ انقدر حامی باش که در دلها بمانی در یاد ها خاطره ساز شوی و فردای ایران را غنی بار بیاوری

جوان هایی بسازی که عاشق ادب و هنر ایران پاسدار و حامی سنن ایران جوان هایی که تو را دیدند یا ندیدند همچین روزی به یاد داشته باشند تو را

استاد بزرگ شهید مطهری روحت شاد

نورت چراغ راهمان باد تا مارو به تو برساند و نسل های بعد از مارا

عین لام میم همین اندک از علم را نیز از تو دارم هرچند کم اما از تو دارم

دوستان دارم



## مژگان احدی

علوم تربیتی ۹۴

کلاس چهارم دبستان بودم .. معلمی به شدت بد اخلاق و اخمو داشتیم ،وقتی عصبانی می شد چشماش قرمزدرشت تر می شد صورتشو که دیگه نگم مته یه لفل سرخ می شد ،دست بزنشم بد نبود.

گمونم اواسط سال تحصیلی بود ،طبق معمول با کوله ای پر از تکلیف شب به خونه برگشتم البته هنوز هم علت اونهمه مشق نوشتنو نمیفهم؟؟؟

وقتی به خونه رسیدم بعد از صرف ناهار از شدت خستگی خوابیدم . نزدیک غروب بود که از خواب بیدار شدم رفتم پیش مامانم که تو آشپزخونه بود،خواستم برای خودم یه چایی بریزم اما از اونجایی که دستام کوچیک و ظریف بود و تاب داغی استکانو نداشت ،استکان از دستم افتاد و آب جوش ریخت روی دستم و دستم سوخت اونم چه سوختنی !

آه از یه طرف سوزش دست سوخته و از طرف دیگه ، مشقای تلمبار شده و از همه مهمتر چشمای درشت معلمو ، کتکی که در آینده ای نه چندان دور انتظارمو می کشید.

استرس زیادی داشتیم اگه با این دستم می نوشتم جدا از سوزش دستم ،بد خط می شد و بابت همین مورد سرزنش معلمم قرار می گرفتم ، اگر نمی نوشتم که دیگه بدتر.

مامانم گفت : عیبی نداره فردا خودم میام مدرسه با خانومتون صحبت میکنم اما اینم راهش نبود چون معلم ما از اومدن مامانامون به مدرسه بدش میومد و بچه ها رو تنبیه می کرد .

تا اینکه خواهرم گفت تو بگو چی باید بنویسی تا من برات بنویسم ؛عجب فکر خوبی بود .

بالاخره به هر روشی بود تکالیفم رو نوشتم .

صبح شد و من آماده رفتن به مدرسه با دستی باند پیچی اما خوشحال از این جهت که تکالیفم رو نوشته بودم .

معلم شروع به دیدن تکالیف کرد و هر از گاهی داد میزد به گونه ای که زهره آدم می ترکید . تا اینکه نوبت به من رسید چیزی که انتظارشو نداشتم سرم داد کشید و گفت :مگه خودت دست نداری که میدی یکی دیگه برات بنویسه ؟ گفتم :ببخشید آخه دستم سوخته.

گفت :اینم کلک جدیدته دروغگو !

اونقد از حرفی که زده بود احساس غرور می کرد که انکار میج یه دزد و گرفته باشه !

همه بچه ها بهم نگاه می کردند و می خندیدند خیلی ناراحت شدم این باعث شد تا هر روز بیشتر از از قبل ازش متنفر بشم و انگیزه ای برای رفتن به مدرسه نداشته باشم

منی که سه سال قبلش به عنوان شاگرد ممتاز مدرسه بودم .

معلم ما میتونست به جای میج گیری ،تنبیه و تحقیر من و استفاده از الفاظ نامناسب در پی علت عدم نوشتن توسط من باشه و اونوقت می فهمید که در عوض تنبیه باید منو با وجود سوختگی به خاطر احساس مسئولیت تشویق کنه و کمتر کار احساس همدردی با من بود اما دریغ از یه احساس تاسف !

این خاطره با وجود گذر زمان همچنان در ذهن من مانده پس چه بهتر که به منظور جلوگیری از رسوخ چنین اتفاقات تلخ در ذهن دانش آموزان در خود نهادینه کنیم که به جای الفاظ زشت ،واژگان زیبا بر زبان جاری سازیم و هرگز قضاوت زود هنگام نداشته باشیم ...







زهرا سرلک

علوم تربیتی ۹۵

در این شماره قصد داریم به معرفی اجمالی از دوره ی طرح ولایت ، خدمتتون داشته باشیم؛ دوره ی طرح ولایت ، دوره ای عقیدتی-معرفتی است که در قالب ۲ دوره ی استانی و کشوری ، پذیرای دانشجویان نخبه ی دانشگاه هاست .

دوره ی استانی که از اسم آن نیز مشخص است، به مدت ۱۰ روز در استان های مختلف برگزار می شود . در واقع مسئول برگزاری این دوره ، نواحی بسیج هر استان هستند . مباحث طرح ولایت کشوری ، به صورت قطره ای در این دوره به دانشجویان تزریق می شود و پنجره ی ذهن آنها را به سوی دنیای جدید باز می کند .

دوره ی کشوری ، معمولاً در یکی از شهر های تهران ، قم و یا مشهد برگزار می شود . این دوره ۴۵ روزه است و به طور کامل تمام مباحث ، توسط اساتید موسسه ی امام خمینی (ره) به دانشجویان تدریس می شود . دانشجویان در این دوره علاوه بر اینکه از مباحث طرح ولایت کشوری بهره مند می شوند ، می توانند با دانشجویان سایر دانشگاه های کشور نیز ارتباط برقرار کرده و از تجربیات ایشان برای فعالیت هایشان در دانشگاه استفاده کنند .

حالا لازم هست که به معرفی اجمالی مباحثی که در دوره تدریس می شود ، بپردازیم ؛ در این دوره ۶ کتاب ، تدریس می شود که هر کدام به تنهایی دریایی از اطلاعات فلسفی عمیق است که شما را با مفاهیم تازه ای از زندگی مواجه می کند .

عناوین کتاب های شش گانه به شرح زیر است :

- مبانی ۱ : خداشناسی
- مبانی ۲ : معرفت شناسی
- مبانی ۳ : انسان شناسی
- مبانی ۴ : فلسفه ی اخلاق
- مبانی ۵ : فلسفه ی حقوق
- مبانی ۶ : فلسفه ی سیاست

برای آشنایی با این کتب ، لازم هست که به طور اجمالی به معرفی آنها بپردازیم :





### ثمری عمر

طرح ولایت حاصل ۷۰ سال کار علمی  
است که در طول چند هفته عرضه  
می‌شود.

## مبانی ۱: معرفت شناسی

از اساسی ترین پرسش های فرا روی انسان معاصر نحوه ی معرفت وی به دین و اعتبار این معرفت هاست. از آنجا که معرفت دینی خود بخشی از شناخت های بشری است، باید ملاک ارزیابی سایر شناخت های انسان بر این دسته از معرفت ها نیز صادق باشد. بنابراین لازم است که در ابتدا به تبیین بنیادی ترین مباحث قلمرو معرفت شناسی نظیر امکان معرفت یقینی و انواع آن، ارزش شناخت، معیار های صدق و کذب قضایا و... پرداخت.

## مبانی ۲: خداشناسی فلسفی

پس از بررسی مبانی معرفت شناسی نوبت به بررسی آموزه های بنیادین دین می رسد. بنیادی ترین آموزه اسلام، خداشناسی است. زیرا تمامی افکارها و رفتارهای انسانی بر اساس اعتقاد یا عدم اعتقاد به این اصل شکل می گیرد. از آن جا که روش تحقیق در مسائل این بحث عمدتاً عقلی است، به این خاطر آشنایی با برخی مبانی هستی شناختی به روش فلسفی در محدوده مورد نیاز خداشناسی، امری ضروری به نظر می رسد. پس از این امر می توان به اثبات وجود خدای متعال، توحید، کمال مطلق و برخی دیگر از مهمترین صفات الهی نظیر علم، قدرت، خالقیت، حکمت و مسائل مرتبط با آن مانند هدف آفرینش و جبر و اختیار پرداخت. در درس خداشناسی فلسفی این مهم برآورده می شود.

## مبانی ۳: انسان شناسی

هر انسانی از خود می پرسد، من که هستم؟ چرا و از کجا آمده ام؟ آیا مرگ پایان راه است و اگر نه، به کجا خواهیم رفت؟ آیا آمدن من به این دنیا هدف خاصی را که به زندگی معنا ببخشد، دنبال می کند؟ این هدف چیست و راه رسیدن به آن چگونه است؟ در درس انسان، راه و راهنماشناسی، به مهمترین مباحث بنیادین و اعتقادی اسلام در باب انسان (جایگاه انسان در نظام آفرینش، فلسفه آفرینش انسان و معنای زندگی)، وحی، نبوت، قرآن شناسی، خاتمیت، امامت و مهدویت و پاسخ به جدیدترین شبهات مرتبط می پردازد.

## مبانی ۴: فلسفه اخلاق

دانش اخلاق، دانشی است که از ارزش (خوب و بد بودن) صفات و رفتارهای اختیاری انسان و لازم بودن (باید و نباید) آن ها برای انسان سخن می گوید و می تواند در راه سعادت بشری بسیار سودمند باشد؛ اما سؤالاتی وجود دارد که در دانش اخلاق پاسخ خود را نمی یابد. کلماتی نظیر خوب، بد، باید و نباید که دقیقاً چه معنایی دارند؟ آیا قوائد اخلاقی را می توان مانند قوانین فیزیکی یا هندسی اثبات کرد؟ آیا اخلاق مطلق است یا نسبی؟ و درس فلسفه اخلاق، برای آشنایی با چهارچوب کلی مکتب اخلاقی اسلام و یافتن ملاک ارزش اخلاقی و داوری درباره دیگر مکاتب اخلاقی، ارائه می شود.

## مبانی ۵: فلسفه حقوق

وجود اختلاف ناشی از اختیار و منفعت طلبی انسان از يك سو و تعارض منافع و محدودیت امکانات و منابع از سوی دیگر، زندگی اجتماعی بشر را تهدید می کند. بنابراین وجود قواعدی حقوقی در هر جامعه به منظور تعیین حق و تکلیف هر انسان و ایجاد سازوکارهای پاداش و مجازات به منزله ضمانت اجرا و ضروری به نظر می رسد. درس فلسفه حقوق، در راستای پاسخگویی به سؤالات فوق، به بررسی اجمالی مهم ترین مکاتب حقوقی می پردازد و تبیین نظام حقوقی اسلام و پاسخ به برخی از مهم ترین شبهات درباره نظام حقوقی اسلام نظیر: فمیسیم، منزلت و حقوق زن در اسلام، اصول و مبانی حقوق بشر و فلسفه مجازات را بر عهده دارد.

## مبانی ۶: فلسفه سیاست

در جهان معاصر، حکومت ها سیطره خود را بر همه انسان ها گسترده اند. هر حکومتی خواه ناخواه بر اصولی استوار است و می کوشد به نحوی مشروعیت و حقانیت خود را توجیه و شهروندان جامعه خود را اقناع کند. دین مبین اسلام مدعی جامعیت و جاودانگی است. بر این اساس بررسی این که آیا دین حق دخالت در مسائل این جهان و بویژه مسائل مربوط به امور اجتماعی و سیاسی را دارد یا نه، امری ضروری به نظر می رسد. درس فلسفه سیاست، به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، تبیین حکومت اسلامی (ضرورت اصول و مبادی، وظایف و ساختار)، تبیین نظریه ولایت فقیه (جایگاه، ادله، شرایط ولی فقیه، وظایف و اختیارات ولی فقیه) و بررسی برخی از مهم ترین شبهات این عرصه، ارائه می شود.



صرفاً جهت اطلاع به عده ۲!  
(فرزانه سمین علوم تربیتی ۹۴)

## خارجی - شب - حیاط

خانم نون با نگرانی : یا خدا بدو بدو به صاد بگو بگه آقای لطفی بیاد اینا رو ببره سالن فرهنگ با صدای بلند: آقایون کجا؟ اشتباه دارید می رید ؟ سالن فرهنگ این ور آقای لطفی به سمت انها می آید و انها را به سمت سالن فرهنگ می برد .

صاد با اخم: من میرم نگرانی ظاهره مشکلی پیش اومده حواستون باشه

سین: اطاعت کاش بی سیم داشتیم هیچانی میشد!! (صاد با اخم سرش را تکان می دهد )

چند پسر بلند می شوند به سمت در می روند خانم ح جیمی جلوی شان را می گیرد : کجا؟

پسر: دست شویی

سین: بابا اینا آشان خودشون بلدن، امیر کبیری ها در جریان نبودن بعدشم دست شویی طبیعیه....

خانم غین با استرس می آید : زودباشین سین و ف برید خوابگاه از کیف صاد پول و بردارید و برید برید نگرانی واسه مهمونامون شام فرستادن برید حساب کنید .

خانم سین و ف به سمت خوابگاه می روند پول بر میدارند و به نگرانی می روند : صاد

بزرگ مقابل دومرد جوان ایستاده ...

## داخلی - شب - نگرهانی:

بینید خانم حرف من اینه شما حق نداشتید گوشی چه اقایون چه خانما؟ می دونید الان به عده چی میگن؟ میگن هفته قبل که اون پردیس شب یلدا بود باگوشی ها نور مینداختن و وگوشی هاشونو تگون می دادن اون وقت این کانون گوشی هارو ازشون گرفته اسم کانون ما بد میره؟ میفهمید؟!

صاد بزرگ به زمین خیره شده وسرش را بالا نمی آورد آرام ومتین می گوید: بیخشید آقا ظاهرا سو تفاهم پیش اومده ، من که تعیین نکردم خود آقای سفیر تاکید داشتن گوشی همراهشون نباشه به وقت ممکنه صداشونو ضبط کنن من حتی به بچه های خودمون نیروهای تدارکاتم گفتم حق گوشی داشتن ندارند!

مرد دوباره باهمان لحن معترضانه؟ رفتار بچه هاتونم مناسب نبود ؛ نه سلامی نه استقبالی؟ تازه هرکسی هم پا میشد بره بیرون بازجویی میکردن ازش

صاد بزرگ باهمان آرامش قبل ادامه می دهد: بینید آقای محترم اولاً ظاهرا اشتباه به عرضتون رسوندن ، من اصلاً به گروه از بچه هارا فقط برای استقبال وخوش آمد گویی گذاشتم ؛ ثانیاً بازجویی درکار نبوده الکی گنده اش کردن، چون به سری از بچه های دانشگاه دیگه مسیر سالن فرهنگ واشتباه رفته بودند ، بچه ها نگران بودند مشکلی پیش نیاد خصوصاً اینکه هیچ

مسئولی کنار مانوبده؟

سین آرام سرش را تکان میدهد بازوی خانم ف را می گیرد : بیا بریم ، من

تحميلشو ندارم به چی بهش میگم...

## داخلی - شب - سالن

کاردار مشغول سخنرانی (جلوی درب ورودی سالن دختر دیگری خانم ز سین با گوشی مشغول صحبت با تلفن همراه )

الو سلام آقای دکتر شما کجایی؟ امشب پردیس خواهران مراسمه ... شما نیستید. چی؟ نمی آید؟ خونه رفتید؟ (سین نزدیک می شود میگوید):

چی شده؟ خانم ز گوشی را قطع می کند ومی گوید : هیچی آقای ف حواسشون نبوده ما امشب مراسم داریم رفتن خونه تا بخوان دوباره راه بیفتن بیان مراسم تموم شده .

سین بانگرانی:

یاحسین پس کی از کاردار قدر دانی کنه؟ خانم دکتر شین هم که رفتن...

مجری بعد از اتمام سخنرانی کاردار میگوید : بله خیلی تشکر میکنیم از آقای ... که با صحبت هاشون مارو مستفیذ کردن خواهش میکنم ایشونو تشویق کنید . خیرمقدم عرض میکنیم خدمت آقای دکتر ف ریاست محترم دانشگاه (ناگهان همه سکوت می کنند ) سین به اطراف نگاه می کند :

کوش ؟ مگه آقای ف اومده؟

خانم ح جیمی با عصبانیت : وای خدا این چه سوتی بود؟ اصن آقای ف نیومده؟

سین سرش را تکان میدهد: الهی بمیرم بچه توهم زده؛ نیست ارادتمند

زیاد دارن خب

دیگه دوست داشتن که باشن ؛ شایدم

روح آقای ف بین ماست

و اون دیده . آخه بابا کجایی شما؟ خانم داوری کجاس؟

خانم ح جیمی: مسخره بازی درنیار ؛ برو ببین دیگه سوتی نده ؛ بچه های جلوههم ساکتشون کن ...

این قضیه ام به گوشه ای از خاطرات ما شد؛

گفتم شاید به عده دلشون بخواد بفهمن برما چه گذشت مخصوصاً خانم داوری عزیز

اون شب واقعا شب پرماجرایی بود ما هیچ مسئولی بالاسرمون نبود خودمون چند نفری به رهبری خانم صاد مراسموجمع کردیم؛

باز دم استاد کریم زاده گرم ، بودن و از کاردار قدردانی کردن وگرنه..... بگذریم...

کار ما همیشه بعد مراسم ها تازه شروع میشه ؛ همه جارو تمیز کردیم و رفتیم سمت خوابگاه ...

البته بازم بگم باوجود نبود خانم داوری انصافاً بدون حضور هیچ مسولی خوب مراسم وجمع کردیم ؛ خب ناگفته نمونه مدیریت خانما همیشه زبان زده ...

فقط این وسط ، به عده با به سری کاراشون ، دل این صاد گل و شکستن ... که بماند ...

پایان





اوایل نوجوانی، درست همان سال هایی که ۱۳،۱۴ ساله بودم نیمه شعبان برابیم روزی همانند بقیه روزها بود. شب های نیمه شعبان از تلویزیون آدم هایی را می دیدم که اشک می ریزند و ظهورت را می خواهند، ستم که بود و علت این اشک ها را نمی دانستم، معنای سه شنبه های دلتنگی را نمی دانستم اما حالا بزرگ شده ام و دلگیری سه شنبه های بی آقا جان با عصر جمعه برابیم برابری می کند، حالا علت دلگیری غروب جمعه را می فهمم، در غروب جمعه آقا جانم از آدم ها از حرف ها و رفتارهاشون خیلی غصه داره و این غم و غصه به عالم منتقل میشه.

حالا بزرگ شده ام و تجربه کرده ام که غروب نیمه شعبان هم مثل غروب جمعه است در دلم انگار رخت می شورن، نبودن آقا جان خیلی به چشم می آید.

دو روز زندگی بسیار سخت شده است یک روز بی آقا گذشت

یک روز بی او غروب شد

همه جا بدون او سرد و دور است

شعبان عجب ماهی است، چقدر در این ماه حالم خوب است ماهی که روزهایش عید در عید است و من به همین لبخندهای عیدانه ماه شعبان دلخوشم اما دلتنگ لبخند شما هستم که از مهر و شادمانی به دنیا روانه کنید، به دنیایی که از دوری شما سرد شده است و زندگی را سخت کرده است آقای من

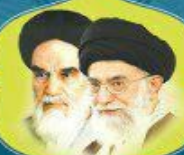
اما راستش را بخواهید این عیدها برای من

آقا نمی شود ...



مدعی گوید که بایک گل نمی آید بهار  
من کلی دارم که دنیا را گلستان می کند





به نظر من این طرح با پستی فراگیر بشود  
این جور طرح ها آن قدر مفید و خوب و سازنده  
است که هر چه درباره آن سرمایه گذاری بشود  
به نظر من زیاد نیست

مقام معظم رهبری



دوره

# طرح و ترسیم

شبانه روزی  
آموزش مبانی فقه اسلامی

مرگ و معاد؟  
آزادی مطلق یا نسبی؟  
حکومت آری یا نه؟  
قانون گذاری انسان یا خدا؟  
تحریف اسلام؟  
سکولاریسم و اسلام؟  
حقوق زن و مرد؟  
تحریف قرآن؟  
شیعه یا سنی؟  
کدام دین؟  
عصر ظهور؟ تشکیلات یسج؟  
دفاع و تروریسم؟  
علت و معلول؟

خدا یکتا است؟ روح یا جسم؟  
جهان هدف دار یا بی هدف؟  
سکولاریسم و لیبرالیسم؟  
حکومت ایرانی یا اسلامی؟  
تهدیب و خودسازی؟  
تفکریسیجی؟ بلور الیسم دینی؟  
مدرنیته؟ مذاکره آری یا نه؟  
علم و دین؟ چرا مرجمیت؟  
جبر یا اختیار؟



کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام:  
[@basijleader](https://basijleader)

مهلت ثبت نام: تا پایان خرداد ماه

